

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۳۴

فصل ۵: ۱-۱۲

آیه حفظی برای ۱۹ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، مزمور ۹: ۱۷

۱۷ شریران به هاویه (محل هلاکت) خواهند برگشت و جمیع
امت‌هایی که خدا را فراموش می‌کنند.

آیه حفظی برای ۲۶ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۴

کتاب مقدس، اشعیا ۳۱: ۱

۱ وای بر آنانی که به جهت اعانت به مصر فرود آیند و بر اسبان
تکیه نمایند و بر ارابه‌ها، زانرو که کثیرند و بر سواران زانرو که
بسیار قوی‌اند، توکل کنند؛ اما بسوی قدّوس اسرائیل نظر نکنند و
خداوند را طلب ننمایند.

قرائت کلام: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل پنجم باز بفرائید. از این جلسه وارد فصل پنجم می‌شویم و تمرکز ما بر روی آیات ۱ الی ۱۲ می‌باشد. البته برای صرفه جویی در وقت در ابتدا آیات را نمی‌خوانم بلکه همانطور که در درس بجلو می‌رویم و به آیات می‌رسیم، آنها را خواهیم خواند. برای مرور مطالب گذشته هم لطفاً به آن دروس گذشته رجوع کنید. کلام خدا را بشنوید:

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز: وقایع فصل پنجم در سال ۵۳۹ پیش از میلاد رخ می‌دهند. بلشصر حدود بیست سال است که بعد از پدر بزرگش نبوکد نصر بر تخت سلطنت بابل نشسته است. در این مقطع حدود ۳۶ سال دارد. و فردی بود بسیار فاسد که برای رهبری امپراطوری بزرگی مانند بابل اصلاً صلاحیت نداشت. در زمان او جنگ با امپراطوری ایران تحت رهبری کوروش کبیر شروع شده بود. خود شهر بابل برای سه ماه بود که در محاصره سپاهیان ایران قرار داشت.

در دانیال فصل پنجم می خوانیم که چگونه یک امپراطوری بزرگ و قدرتمند بر اثر غرق شدن در گناهانش سقوط می کند. و آنچه که در این فصل می خوانیم نه فقط در مورد کشورها و دولتها صادق است بلکه همچنین در مورد زندگی فرد فرد ما، اگر بگذاریم گناه در زندگی ما رخنه کند.

اولین صحنه که در این فصل می بینیم، یک مجلس عیاشی و کفرآمیز است که ناگهان در میان آن، حکم داوری و غضب خدا صادر می شود. برای تفریح بیشتر و نیز برای توهین به خدای راستین، بلشصر دستور می دهد که ظرفهایی را که سالها پیش نبوکدنصر از معبد خدا در اورشلیم به غنیمت آورده بود را بیاورند. در حالیکه هیچ نیازی به آن ظروف نبود. بلشصر می خواست به خدای راستین، خدای کتاب مقدس توهین کند چون آن ظروف وقف خداوند شده بودند.

ناگهان دستی در وسط زمین و هوا، بدون اتصال به هیچ بدنی ظاهر می شود، و بر روی دیوار نزدیک شمعدان، به احتمال قوی، درست پشت سر بلشصر شروع به نوشتن می کند.

پادشاه شروع می کند به فریاد زدن: **۷ پادشاه به آواز بلند صدا زد که جادوگران و کلدانیان و منجمان را احضار نمایند. پس پادشاه حکیمان بابل را خطاب کرده، گفت: «هر که این نوشته را بخواند و تفسیرش را برای من بیان نماید به ارغوان ملبس خواهد شد و طوق زرین بر گردنش (نهاده خواهد شد) و حاکم سوم در مملکت خواهد بود.»**

لباس ارغوانی سمبل مقام سلطنتی ، و طوق طلا سمبل بالاترین حد تکریم در فرهنگ می بود. اما وقتی مشاوران دربار بلشصر آمدند نتوانستند معنی نوشته روی دیوار را بازگو کنند:

۸ آنگاه جمیع حکمای پادشاه داخل شدند، اما نتوانستند نوشته را بخوانند یا تفسیرش را برای پادشاه بیان نمایند.

البته دقت کنید، این کلمات به زبان آرامیک نوشته شده بودند (از قرانت آیات بعدی این را متوجه می شویم). آن دانشمندان می توانستند تک تک کلمات را بخوانند و معنی تک تک کلمات را بفهمند ولی نمی توانستند معنی آنان را در پیوست با همدیگر بفهمند. باز در اینجا مانند فصل دوم و چهارم می بینیم که چگونه حکمت و مشورتهای انسانی از درک حقایق این جهان عاجزاند. بدین دلیل است که آنانی که حقیقتاً تجربه تولد دوباره در مسیح را ندارند نمی توانند حقایق کتاب مقدس را بپذیرند، چون فکرشان با قدرت روح القدس منور نشده است.

انجیل مقدس، ۱ قرن‌تیاں ۱: ۱۸-۱۹ می فرماید: ۱۸ زیرا ذکر صلیب برای هالکان حماقت است، لکن نزد ما که ناجیان هستیم قوت خداست. ۱۹ زیرا مکتوب است، حکمت حکما را باطل سازم و فهم فهیمان را نابود گردانم. و سپس در آیه ۲۴ می فرماید: مسیح قوت خدا و حکمت خدا است. حکمت برای درک حقایق زندگی را فقط در ایمان و پیوند با خداوند عیسی مسیح دریافت می کنید. در آیه ۳۰ می فرماید: عیسی مسیح که از جانب خدا برای شما حکمت شده است و عدالت قدوسیت و فدا. اگر می خواهید حکمت، رستگاری مقبول خدا، آزادی از اسارت گناه، شیطان، و نفس را دریافت کنید، خود را در حضور مسیح فروتن کرده، به او ایمان آورده چون خداوندتان، و با او زندگی کنید.

وقتی مشاوران بلشصر نتوانستند آن نوشته را تفسیر کنند، وحشت او بیشتر شد. و بزرگانش هم به وحشت افتادند: ۹ پس بلشصر پادشاه، بسیار مضطرب شد و هیأتش در او متغیر گردید و امرایش مضطرب شدند. ناتوانی آن دانشمندان، پوچی حکمت انسانی جدا از خدای کتابمقدس را نشان می دهد. ۱ قرن‌تیاں ۲: ۱۴ دلیل آنرا به ما می گوید: اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی پذیرد زیرا که نزد او جهالت است و آنها را نمی تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می شود. کسانی که روح القدس را ندارند نمی توانند تعالیم کتاب مقدس را درک کنند. و شما روح القدس را فقط از طریق توبه از گناهان و ایمان به خداوند عیسی مسیح دریافت می کنید. خداوند ما عیسی مسیح بر جهان و تاریخ بشر سلطنت می کنند. آنانی که با دیدی انسانی می خواهند به دنیا و تاریخ بشر نگاه کنند، قادر به درک نقشه خدا برای جهان نیستند.

در آیات ۱۰ الی ۱۶ می خوانیم که چگونه پادشاه دانیال را احضار می کند. بعد از مرگ نبوکد نصر جانشینان او آن مرد خدا یعنی دانیال را کنار گذاشته بودند. آدم فاسدی مانند بلشصر، با مرد پاکی مانند دانیال نمی توانست کاری داشته باشد. در وسط تمامی آن داد و فریاد، ملکه مادر، دختر نبوکدنصر با شتاب وارد تالار ضیافت پادشاه می شود. او بیاد داشت که چه خدماتی دانیال در زمان نبوکدنصر انجام داده بود.

۱۰ اما ملکه به سبب سخنان پادشاه و امرایش به مهمانخانه درآمد و ملکه متکلم شده، گفت: «ای پادشاه تا به ابد زنده باش! فکرهایت تو را مضطرب نسازد و هیأت تو متغیر نشود.

۱۱ شخصی در مملکت تو هست که روح خدایان قدوس دارد،

از سخنان این زن معلوم می شود که ایماندار به خدای راستین نبود. به این دلیل از خدایان قدوس نام می برد. سپس ادامه می دهد: و در ایام پدیرت روشنایی و فطانت و حکمت مثل حکمت خدایان دراو پیدا

شد و پدِرت نَبُوکدَنَصَّر پادشاه، یعنی پدر تو ای پادشاه، او را رئیس مجوسیان و جادوگران و کلدانیان و مَنجَمان ساخت.

۱۲ چونکه روح فاضل و معرفت و فطانت و تعبیر خوابها و حل معماها و گشودن مسائل مشکل در این دانیال که پادشاه او را به بلطشصر مسمی نمود یافت شد. پس حال دانیال طلبیده شود و تفسیر را بیان خواهد نمود.»

دقت کنید ملکه مادر در اشاره به دانیال چگونه از او تعریف می کند. می گوید دانیال مردی است پاک، حکیم، با بصیرت. از خودمان بپرسیم وقتی که مردم ما را بیاد می آورند، چه خصوصیتی به فکرشان می رسد؟ دانیال نیک نام بود، به پاکی مشهور بود. چه چیزهای در زندگی ما وجود دارند که مانع از آن می شوند که نامی نیک و شهرت پاکی از خود بگذاریم؟ هر آنچه هست را بحضور پدر آسمانی اعتراف، در نام مسیح از آن طلب بخشش و توبه کرده، و خود را متعهد سازیم که حقیقتاً نیک نام باشیم. **طوری زندگی کنیم که وقتی مردم ما را بیاد می آورند صفات خوب و خاطره های خوب به فکرشان بیاید.**

سؤال دومی که باید از خودمان بپرسیم این است: بلشصر، در مقابل لشکریان دشمن، به جای اینکه مانند پدر بزرگش نبوکد نصر به خدای راستین ایمان آورده و اعتماد کند، به دیوارها، برجهای دور شهر بابل اعتماد کرده بود. من و شما در زندگیمان به چه قلعه ها و حصار ها برای حفاظت از زندگیمان اعتماد می کنیم؟ کارمان، حقوقمان، دوستانمان، دانش مان، قدرتمان؟

کلام خدا در اشعیا ۳۱: ۱ می فرماید:

۱ وای بر آنانی که به جهت اعانت به مصر فرود آیند و بر اسبان تکیه نمایند و بر ارابه ها، زانرو که کثیرند و بر سواران زانرو که بسیار قوی اند، توکل کنند؛ اما پسوی قدّوس اسرائیل نظر نکنند و خداوند را طلب ننمایند.

عاقبت اعتماد کردن بر هر کس و هر چیز غیر از خدای راستین، خدای کتاب مقدس پیشمانی است. و یا اشعیا ۴۲: ۱۷ می فرماید: **آنانی که بر بت های تراشیده اعتماد دارند و به اصنام (تمثال مذهبی) ریخته شده می گویند که خدایان ما شما را، به عقب برگردانیده، بسیار خجل خواهند شد.**

هر چیز و هر کس که مقام اول را در زندگی ما بگیرد، آن یک بت است. مقام اول متعلق به خدای کتاب مقدس می باشد. و اعتماد بر هر کس و هر چیز دیگری به خجلت و شرمساری منتهی می شود.

بر خداوند عیسی مسیح اعتماد کنید و در این اعتماد رشد کنید. یعقوب ۴: ۱۳-۱۶ می فرماید:

۱۳ هان، ای کسانی که می‌گویید، امروز و فردا به فلان شهر خواهیم رفت و در آنجا یک سال بسر خواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم بُرد (منظور کسانی است که به نقشه ها و افکار خودشان تکیه می کنند):

۱۴ و حال آنکه نمی‌دانید که فردا چه می‌شود؛ از آنرو که حیات شما چیست؟ مگر بخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و بعد ناپدید می‌شود؟

۱۵ به عوض آنکه باید گفت که، اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.

۱۶ اما الحال به عجب خود (خودستایی خود) فخر می‌کنید و هر چنین فخر بد است.

پناهگاه ما، قوت ما، باید خداوند عیسی مسیح باشد. مزمور ۴۶ را بخوانید و بر روی آن تفکر کنید.

مزمور ۴۶: ۱، ۲ . . . ۱۰، ۱۱

۱ خدا ملجا و قوت ماست، و مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می‌شود.

۲ پس نخواهیم ترسید، اگر چه جهان مبدل گردد و کوه‌ها در قعر دریا به لرزش آید.

۱۰ بازایستید و بدانید که من خدا هستم؛ در میان امت‌ها، متعال و در جهان، متعال خواهم شد.

۱۱ یهوه صباپوت با ماست و خدای یعقوب قلعه بلند ما.